

ارائه مدل پیشگیری از نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی (مطالعه موردی، ساکنین تهران بزرگ)

حسین اشتری فرد^۱، مجید فقیه^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۱

از صفحه ۱ تا ۲۲

چکیده

«اعتماد عمومی» و «عدم نگرانی از وقوع جرم» در اجتماع یکی از عوامل موثر بر «احساس امنیت اجتماعی» است، این مولفه‌ها از «تجربه شهروندان نسبت به قربانی بودن آنها»، «حضور محسوس پلیس در جامعه» و «رفتار مناسب پلیس» در رابطه با پیشگیری اجتماعی و برخورد با جرم و جنایت ناشی می‌شود. هدف از این پژوهش ارائه مدل پیشگیری از نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی می‌باشد. جامعه آماری، شهروندان ساکن تهران بزرگ و نمونه آماری با استفاده از فرمول تعدیل شده کوکران و با روش خوشه‌ای و از طریق میدانی تعداد ۳۸۵ نفر تعیین گردید. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه استاندارد بوده و به منظور تحلیل استنباطی داده‌ها از تحلیل عاملی تاییدی و برای آزمون فرضیه‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج نشان داد که تجربه قربانی بودن تاثیر مثبت و معنی‌داری بر نگرانی از وقوع جرم داشته و محسوس بودن پلیس، تاثیر معنی‌داری بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و اعتماد اجتماعی به پلیس دارد. پاسخ‌گویی پلیس منجر به افزایش اعتماد اجتماعی به پلیس می‌شود و اعتماد اجتماعی نیز خود باعث کاهش نگرانی از وقوع جرم و افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود و نهایتاً اینکه عامل نگرانی اجتماعی از وقوع جرم باعث احساس امنیت اجتماعی خواهد شد.

کلید واژه‌ها

تجربه قربانی بودن، مشهود بودن، نگرانی از وقوع جرم، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی.

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

۲ - رئیس مرکز تحقیقات کاربردی پلیس امنیت عمومی ناجا (نویسنده مسئول) pava.research@police.ir

مقدمه

انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب بالای رشد، نیازمند امنیت و آرامش خاطر است که با رشد و نمو جرایم و انحرافات اجتماعی زمینه های نا امنی و شکل گیری کجروی در سطح جامعه بیشترین دلهره را ایجاد می کنند (شرافتی پور، ۱۳۸۵، ۱۲۲). از این رو، امنیت اجتماعی برای آحاد جامعه بسیاری از موضوعات دیگری که ممکن است مهم تلقی شود، ضروری تر است.

اصولاً در خصوص امنیت و احساس امنیت در جامعه، ممکن است یکی از حالات زیر وجود داشته باشد:

- امنیت وجود دارد، احساس امنیت نیز وجود دارد.
- امنیت وجود ندارد، احساس امنیت نیز وجود نخواهد داشت.
- امنیت از نظر پلیس و معیارها و شاخص های آن وجود دارد اما مردم احساس امنیت نمی کنند.
- امنیت با شاخص های پلیس امنیت در مردم وجود دارد. (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸، ۵۶۵).

مطالعات چلبی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد امنیت همیشه یکی از مسایل اساسی و حیاتی همه جوامع بوده است. در طول تاریخ جامعه ای را سراغ نداریم که دیر زمانی فارغ از دغدغه و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشند.

بک (۲۰۰۲)، اعتماد اجتماعی را به عنوان عاملی تاثیر گذار بر احساس امنیت می داند و وی افزوده است، در جهان کنونی که افراد سرنوشت خویش را به دست کارشناسان و متخصصان علوم مختلف سپرده اند، برای اجتناب از احساس نا امنی چاره ای جز اعتماد به آنان ندارند. اما این اعتماد نه در مورد صداقت آنان بلکه اعتماد به تخصص و مهارت های آنان می باشد.

همچنین بی زبان (۱۳۹۱) بیان کرد تراکم و تکثر جمعیت درون جامعه جدید شهری، آن، همراه با تحرک بی سابقه جغرافیایی و در نتیجه، رشد و گسترش فردگرایی،

موجبات تنهایی انسان ها و کاهش امنیت فکری و روانی را فراهم کرده است. علاوه بر این با قرار گرفتن جامعه در مسیر رشد و تحولات شتابان جهانی شدن از یک سو و رخدادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تغییرات ناشی از آن از سوی دیگر، بستر مناسبی برای ظهور مسائل و مشکلات اجتماعی شکل گرفته است. از جمله این مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی می توان به بی اعتمادی و سردرگمی، گسستگی پیوند های اجتماعی، جذب نشدن در بدنه اجتماعی، فقدان مشارکت و در نتیجه انزوای اجتماعی اشاره کرد.

همواره هدف غایی سازمان نیروی انتظامی کشور، پیشگیری از وقوع جرم، ایجاد و حفظ نظم اجتماعی، فرهنگی و دینی مردم بوده است. اگرچه نیروی انتظامی کشور سعی در ایجاد امنیت و اعتماد اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم داشته است و تاکنون به موفقیت های چشمگیری در این زمینه نایل آمده است اما پژوهش های پیرامون موضوع مورد بحث، گویای آن است که ایجاد امنیت و پیشگیری از وقوع جرم حتی در کنار پیشرفته ترین سیستم های امنیتی در جهان نیز به نوعی، دغدغه کارشناسان و مسئولین این حوزه بوده است. در این پژوهش با هدف بررسی تاثیر عوامل موثر بر پیشگیری از نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و امنیت اجتماعی و با توجه به مستنداتی که توسط محققین مختلف در حوزه امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و نگرانی اجتماعی از وقوع جرم تدوین گردیده است، مدل ساختاری ارائه خواهد شد که از طریق آن عواملی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر های وابسته پژوهش تاثیر گذارند شناسایی و بررسی شده و در نهایت به ارایه نتیجه گیری و پیشنهادات کاربردی پرداخته خواهد شد. بنابراین پس از تجزیه و تحلیل داده ها و نایل آمدن به یافته ها، به عنوان سوال اصلی تحقیق به این سوال پاسخ داده خواهد شد که چه عواملی بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی تاثیرگذار است؟

سوالات پژوهش

سوال اصلی

چه عواملی بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی تاثیرگذار است؟

سوالات فرعی

- آیا تجربه قربانی بودن تاثیر مثبت و معنی داری بر نگرانی از وقوع جرم دارد؟
- آیا محسوس بودن تاثیر منفی و معنی داری بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم دارد؟
- آیا محسوس بودن تاثیر مثبت و معنی داری بر اعتماد اجتماعی به پلیس دارد؟
- آیا پاسخ گویی پلیس تاثیر مثبت و معنی داری بر اعتماد اجتماعی به پلیس دارد؟
- آیا اعتماد اجتماعی به پلیس تاثیر منفی و معنی داری بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم دارد؟
- آیا نگرانی اجتماعی از وقوع جرم تاثیر منفی و معنی داری بر احساس امنیت اجتماعی دارد؟
- آیا اعتماد اجتماعی به پلیس تاثیر مثبت و معنی داری بر احساس امنیت اجتماعی دارد؟

پیشینه پژوهش

محمد نسل (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردهای پلیسی برای پیشگیری از جرم» ضمن بیان نقش پلیس به عنوان مهم ترین نهاد مجری پیشگیری از جرم، رویکردهای موجود در این زمینه را بررسی کرده است. در این مقاله رویکرد عمده پلیس برای پیشگیری از جرم به همراه راهکارهای اجرایی آن ذکر شده است. مولف در این مقاله این گونه نتیجه می‌گیرد که آگاهی از رویکردهای پلیسی پیشگیری از جرم، بسیار سودمند است و زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که در انتخاب دو رویکرد، به مؤلفه‌های اصلی در این زمینه از جمله تناسب با فرهنگ جامعه، نحوه بومی سازی راهکارها، مقدمات و تجهیزات پلیس و ... توجه شود.

روایبی و بهریر (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اثربخشی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم» الگوهای حاکم بر پلیس سنتی را که عمدتاً مبنی بر خدمات رسانی است با الگوهای حاکم بر پلیس نوین که مبتنی بر انجام امور پلیسی مسئله محور، جامعه محور و انجام امور پلیسی در نقاط جرم خیز است، بررسی می‌کند. مولفان این گونه نتیجه می‌گیرند که ادله ضعیفی مبنی بر اثربخشی الگوهای سنتی پلیس

در پیشگیری از جرم وجود دارد. اما در مورد اثربخشی الگوهای نوین امور پلیسی در پیشگیری از جرم گرچه ادله موجود بیانگر اثربخشی این الگوها هستند، اما نتیجه‌گیری قطعی منوط به گذشت زمان و انجام تحقیقات بیشتر است.

کلانتری و توکلی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «شناسایی کانون های جرم خیز شهری» توضیح می‌دهند که در راستای شناسایی و تعیین کانون های جرم خیز و به تصویر کشیدن آنها از طریق نقشه‌های جرم می‌توان از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) بهره‌گرفت تا از این طریق این مناطق را تحت کنترل درآورد یا زمان و مکان احتمالی جرایم را در آینده پیش‌بینی کرد.

تیلور (۱۹۹۸) در تحقیق با عنوان «جرم و مکان» شرح می‌دهد که مکان های جرم خیز بیانگر یک مکان با میزان بالای جرم است. محدوده این مکان بخشی از شهر، محله‌های کوچک یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک خانه یا مجتمع مسکونی باشد.

در تحقیقی که توسط شرم‌ن و ویسبورد در شهر مینوپولیس انجام شد، آنان ۱۱۰ نقطه جرم خیز را به صورت تصادفی انتخاب و آنها را به دو گروه تقسیم کردند. یکی از گروهها را برای مدتی معین تحت مراقبت بیشتر و گشت پلیس قرار دادند. پس از گذشت ۱۰ ماه از آغاز اجرای طرح، بررسی‌ها نشان داد که تفاوت معناداری از بعد جرم و میزان تماس با پلیس و میزان تخلفات و نابهنجاریهای مشاهده شده در آن مناطق بین دو گروه وجود دارد. شرم‌ن و ویسبورد نتیجه‌گیری کردند که حضور پلیس در نقاط جرم خیز اثر بازدارندگی قابل ملاحظه‌ای بر جرایم دارد. آنها خاطر نشان کردند: «وقت آن است که جرم شناسان دیگر نگویند ادله و شواهدی دال بر این موضوع وجود ندارد که گشتهای پلیس در نقاط جرم خیز بر پیشگیری از وقوع جرایم تأثیر ندارد»

مبانی و چارچوب نظری

مقوله امنیت و تأمین آن، که از نتایج ذاتی مقابله با جرایم است، از هنگام پیدایش حیات انسان مطرح بوده است. (علی نژاد، ۱۳۸۷).

همانند سایر زمینه‌های علم جرم‌شناسی، جرم‌شناسی پیشگیرانه نیز عرصه تراکم نظریه‌ها و تعاریف است. در هر دوره‌ای از دوران ادبیات پیشگیری از جرم، هر یک از صاحب‌نظران پیشگیری، وجهی از موضوع را واجد اهمیت بیشتر دانسته و متناسب با آن، تعریفی برای مقوله پیشگیری از جرم ارائه کرده است. اما در یک تعریف ساده، پیشگیری از جرم به مفهوم تمامی اقداماتی است که به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده با هدف کاهش بزهکاری انجام می‌گیرد (شیری، ۱۳۸۶)

به بیان دیگر در چارچوب نظری جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری از جرم شامل به کارگیری مجموعه وسایل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌دهد: ۱- از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا ۲- از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی که به نوبه خود فرصت‌های مناسب را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کنند (همان منبع)

تئوری‌های مرتبط با نگرانی از وقوع جرم متعلق به فردی خاص نبوده و بیشتر محصول تحقیقاتی تجربی در این زمینه می‌باشند. نظریه پردازان این حوزه اصولاً مجموعه‌ای متغیرها را در راس تحقیقات خود قرار داده‌اند و با آزمون آن‌ها در شرایط متفاوت صحت این تئوری‌ها را مورد آزمون قرار داده و گاهی مسائلی را به آن اضافه می‌کنند:

فرضیه آسیب پذیری: پانتازیس (۲۰۰۰) بیان کرد افرادی که خود را بیشتر آسیب پذیر می‌دانند به مراتب بیشتر از بقیه احساس ناامنی می‌کنند. هر چند برداشت یک فرد از شدت عواقب یک جرم، عامل بسیار مهمی در احساس ناامنی است، اما مهم‌تر از آن میزان آسیب پذیری یک فرد است. احساس آسیب پذیری با کاهش کنترل فرد در اوضاع، احساس ناامنی را به دنبال می‌آورد.

وضعیت اقتصادی: پانتازیس همچنین افزود فقراً غالباً احساس امنیت کمتری نسبت به اقشار بالاتر (به لحاظ اقتصادی) از خود نشان می‌دهند، چرا که به دلیل استطاعت مالی نمی‌توانند تدابیر امنیتی لازم را در حفاظت از خود و اموالشان از خود نشان دهند ضمن اینکه فقراً غالباً در محلاتی زندگی می‌کنند که میزان جرم و جنایت در آن‌ها بالاست.

فرض آشفته‌گی و آنومی: تایلور (۲۰۰۲) بیان کرد، ویژگی‌های منطقه و محله مانند پایگاه اقتصادی-اجتماعی منطقه رابطه پایداری با وقوع جرم در منطقه دارد.

ارزیابی شهروندان از کارایی پلیس: چلیپ و باباخانی (۱۳۸۸) عنوان کردند، بر مبنای مطالعات صورت گرفته در این زمینه می‌توان از ارتباط بالایی بین کارایی پلیس در یک منطقه و احساس امنیت اجتماعی ساکنان آن منطقه خبر داد. غیر از سطح منطقه ای در سطح فردی نیز آن دسته از شهروندانی که به کارایی پلیس اعتقاد دارند، با این استدلال که پلیس به موقع نسبت به دفع عوامل تهدیدزا اقدام خواهد کرد، در کل از میزان احساس امنیت بالاتری برخوردارند.

تجربه قربانی شدن: محققان با انجام تحقیقات تجربی دریافته اند که آن دسته از افرادی که در گذشته سابقه قربانی شدن داشته اند، بیشتر از سایر شهروندان احساس نا امنی می‌کنند. در عین حال تحقیقات دیگری نیز که به عمل آمده با کمرنگ نشان دادن نقش این متغیر، معتقدند مردان جوان غالباً بیشتر از سایر اقشار اجتماعی در معرض قربانی شدن هستند. حال آنکه احساس ناامنی در بین زنان و افراد مسن به مراتب بالاتر از این قشر است (چلیپ و باباخانی، ۱۳۸۸، ۳۰-۲۶)

توسعه مدل نظری پژوهش. اسکوگان (۲۰۰۹) بیان کرد نوع برجسته ای از تحقیقات به جرایم علیه موقعیت‌های همسایگی بر می‌گردد که به عنوان متغیر مستقل شناسایی و تاثیر آن بر اعتماد به پلیس بررسی می‌شود. این تحقیقات بر نظریه‌های باهن (۱۹۷۴) که به توصیف آنچه که او «اعتماد به پلیس» از آن یاد می‌کند تکیه دارد. او بحث کرد که در مناطقی که کنترل اجتماعی رسمی به صورت قوی درک می‌شود و پلیس مورد حمایت اجتماعی قرار می‌گیرد، اعتماد اجتماعی در رابطه با اینکه آنان می‌توانند از فضای عمومی حفاظت کنند بالاتر می‌رود. پس از مرور مدارک آن زمان او این‌گونه نوشت:

نیاز برای اعتماد سازی در واقع به این موضوع بستگی دارد که چه قدر عموم، بیشتر با پلیس تماس می‌گیرند و پذیرش اجتماعی نسبت به پول دریافتی پلیس به چه میزان است.

مطالعات اسکوگان (۲۰۰۶) نشان داد جوامع این باور را دارند که محله‌هایی که در آن خرید و فروش مواد مخدر صورت می‌گیرد و یا باندهای خلافکار در آن‌ها فعالیت می‌کنند نسبت به سایر محله‌های دیگر به پلیس وابستگی دارند.

ویتزر و همکاران (۲۰۰۸) افزودند که این موضوع برای کسانی که اعتقاد دارند جرم و جنایت در محله آن‌ها به صورت مشکل جدی خود را نشان داده است نیز صادق است و نیز کسانی که گزارشات زیادی از جرم و جنایت‌های خشونت‌آمیز را از محله‌های خود گزارش کرده‌اند نیز وابستگی خود را بیشتر به پلیس ابراز نموده‌اند.

مجموعه دیگری که از مدل پاسخگو اقتباس نموده، محققینی بوده‌اند که با به‌کار گماشتن روش نظرسنجی از آزمودنی‌ها در محیط محله میزان جرم را مورد سنجش قرار داده‌اند. به عنوان مثال، در مطالعات انجام شده در شهرهای مختلف، ریسینگ و پارک (۲۰۰۰) دریافتند تغییر در میزان قتل در محله‌های مختلف (که به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است) به تفاوت در نوع ارزیابی از پلیس مرتبط است (این مبحث حتی در زمانی که عناصر مهم در محله به عنوان متغیر کنترل مد نظر گرفته شده باشند نیز صدق می‌کند).

سمپسون و بارتوش (۱۹۹۸)، نتیجه گرفتند که بدبینی در مورد قوانین و نارضایتی از پلیس یک موضوع روتین از «دورنمای ادراکی» از مردمی است که در محله‌های با سابقه ارتکاب بالای جرم و جنایت و نیز کسانی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند؛ چرا که این مباحث به صورت عمیقی در "افتراق‌های تجربی وابسته به فضای محله" ریشه دوانده‌اند.

در این دیدگاه، شرایط اجتماعی از قبیل ترس و درماندگی باعث افزایش بدبینی نسبت به پلیس خواهد شد (اسکوگان، ۲۰۰۹، ۱۱۲). بر مبنای مدل ساختاری خو، فیدلر و فلیمینگ (۲۰۰۵)، مشخص شد ترس از وقوع جرم باعث نارضایتی از پلیس می‌شود. در دیدگاه آنان مردمی که از شرایط اجتماعی در رابطه با وقوع جرم می‌هراسند (به دلیل زندگی در محله‌ای با وقوع جرم زیاد و کیفیت پایین شرایط زندگی) باور دارند که این عدم امنیت به خاطر وجود نیروهای پلیس ناتوان بوده است و یا اینکه نیروهای پلیس عملاً میلی به کمک کردن در مورد حل مشکل آنان نداشته است.

رن، کاو و گافنی (۲۰۰۵) استدلال کردند که سطح بالای اختلالات اجتماعی محلی باعث می‌شود که ساکنین آن محله نسبت به پلیس در رابطه با وظیفه محافظتی آنان بی اعتماد شده چرا که این باور در ذهن آنان رسوخ نموده که پلیس توان اشرافی خود را از دست داده و ناکارآمدی پلیس در برآورد حمایت برای ساکنین موجب از بین رفتن اعتماد ایشان از پلیس شده است.

همچنین ساکنین مناطق با ضریب جرم و جنایت بالا گرایش بیشتری در ارائه گزارش از عملکرد ضعیف افسران در رابطه با مبارزه با جرم و جنایت، حفظ نظم دارند. ایشان نسبت به پیشگیری از وقوع جرم توسط پلیس ناراضی هستند و اعتقاد دارند که عملکرد پلیس نسبت به مسائل، پاسخگویانه نبوده است (ریسینگ و پارکز، ۲۰۰۰، ۶۱۸) با تمرکز بر روی مسئله بی نظمی های اجتماعی، کائو و همکاران (۱۹۹۶)، استدلال نمودند که به نظر می‌رسد در رابطه با شکستن پنجره در محله، ساکنین آن محله پلیس را به عنوان حداقل تا حدی مسئول قلمداد می‌کنند در حالی که این پژوهش همچنین نشان داد که از منظر پاسخ گویان، پلیس به عنوان نماینده مستقیم دولت، مسئول کنترل اختلالات و بی نظمی‌ها در محله هستند.

قسمت قابل توجهی از پژوهش‌ها به متغیر اعتماد به پلیس به عنوان متغیر مستقل پرداخته و تاثیر آن را بر ترس و نگرانی در رابطه با جرم و جنایت می‌سنجد. این مطالعات علی بر مطالعات باهن (۱۹۷۴) تحت عنوان آنچه که او عامل اطمینان در پلیس نام گذاری نموده است تکیه دارد؛ او استدلال نمود در جایی که در باور افراد، کنترل اجتماعی رسمی به طور قوی وجود دارد و پلیس «مسئول» شناخته می‌شود، مردم با اعتماد بیشتری می‌پذیرند که پلیس از آن‌ها محافظت می‌نماید (اسکوگان، ۲۰۰۹، ۳۰۲).

پووی (۲۰۰۱) استدلال کرد امنیت و نظم درک شده از طریق پلیسی که از نظر جامعه «محسوس» و «در دسترس» و این مهم از نظر ساکنین نیز شناخته شده باشد، معرفی می‌شود. برای نیل به این هدف او پیشنهاد ماموران بیشتر را برای انجام وظیفه ارائه نمود، یک «آگاهی مشتری» را در حوزه پلیس توسعه داد و مدل اطمینان مجدد افکار عمومی، به طور گسترده ای برگزار گردید؛ این مدل اطمینان همچنین یک زیربنای

نظری در حوزه پلیس جامعه فراهم آورد، به طوری که این مدل در تلاش بود تا مشروعیت پلیس را در محله های فقیر و محروم بازگرداند.

ارزیابی های پلیس اجتماعی به طور معمول درجات نگرانی از وقوع جرم را به عنوان شاخص های اثربخش برنامه های اجرایی به کار می برد. به عنوان مثال اسکوگان و هارتنیت (۱۹۹۷)، گزارش دادند که تلاش پلیس جامعه محور به طور «محسوس» با کاهش وقوع جرم، خصوصاً در میان افریقایی - امریکایی ها و اهالی کم درآمد شیکاگو دارای ارتباط بوده است (اسکوگان، ۲۰۰۹، ۳۰۲).

ریسین و پارک (۲۰۰۴) نشان دادند ساکنین محله هایی که باور دارند مشارکت اجتماعی پلیس دارای سلامت است (آن ها گزارش دادند که پلیس در محله های آنان با ساکنین همکاری کرده و ساکنین نیز با پلیس همکاری نموده و در تعاملند)، سطح پایین تری از اختلال و بی نظمی اجتماعی را درک کرده و نتیجتاً ترس کمتری از وقوع جرم گزارش نموده اند.

جدیدترین ارزیابی های شبه تجربی از تاثیر گشت های پیاده، دسته دیگری از یافته های گزارشی در تائید مدل های اعتماد اجتماعی به پلیس را مهیا نمود؛ دو نمونه مهم از این یافته ها شامل:

(۱) گشت زنی های پیاده قابل مشاهده افزایش اعتماد به پلیس را در بر دارد

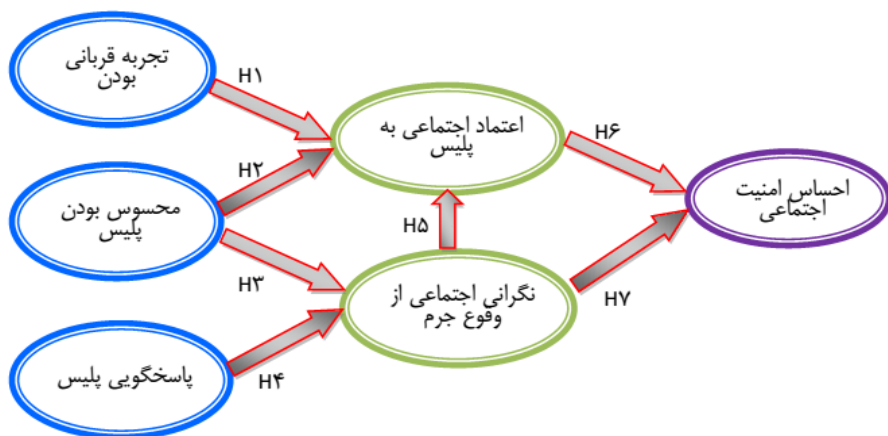
(۲) گشت زنی های پیاده قابل مشاهده کاهش ترس از وقوع جرم را در بر دارد (اسکوگان، ۲۰۰۹).

نتایج تحقیق معروف به گشت پلیس پیشگیری شهر کانزاس به طور عجیبی نشان داد که کاهش برنامه ریزی شده در گشت محسوس افزایش ترس از وقوع جرم را به بار نرساند. با این حال، مواردی موجب ایجاد ابهام و تشکیک در روش شناسی این تحقیق و به همین نسبت در مورد نتایج آن شده است.

در نهایت، مدل اطمینان از پلیس بر یک تجربه اجتماعی گسترده در بریتانیا صحت نهاد، در کشوری که اصلاحات پلیسی موجبات تأسیس بنیادی تحت عنوان دفترخانه ملی برنامه اعتماد به پلیس را فراهم آورد. عزم سیاسی در پس این موضوع را می توان

درنگرانی های دولت از بروز جرم (این حد از جرم به صورت مداوم توسط بنیاد تحقیقی جرم بریتانیا مورد محاسبه قرار می گیرد) با وجود حجم وسیعی از سرمایه گذاری ها توسط حزب نو کارگر در ابعاد امنیتی و ایمنی کنکاش کرد. گزارشی از سوی این دبیرخانه حاکی از آن بود که اعتماد عمومی از این مبحث که با جرم به نحو اثربخشی برخورد می شود با درک عمومی از در دسترس بودن، سرعت و اثربخشی سیستم عدالت کیفری مرتبط می باشد. این موضوع به نوبه خود راه را برای استراتژی اعتماد سازی پلیس در شانزده تجربه پلیس محلی در اطراف شهر لندن در شروع سال ۲۰۰۳ گشود. مداخله های مترتب از نتایج تحقیق با هدف افزایش حضور پلیس، تماس پلیس با عموم مردم و حل مسئله توسط پلیس صورت گرفت. ارزیابی های این مطالعه منتج شده از بررسی های مکرر از ساکنان جامعه به صورت برنامه ها و آزمون های مقایسه ای بوده است. این مطالعات آشکار کرد مداخله های پلیس درک از محسوس بودن پلیس، انس با پلیس، اعتماد اجتماعی به پلیس را به صورت معنی داری افزایش می دهد. به همین تناسب، این برنامه ها با کاهش درک از وجود جرم و رفتارهای ضد اجتماعی، خود - قربانی پنداری، نگرانی از وجود و بروز انواع جرم ها و ترس از خطر قربانی شدن همراه بوده است (اسکوگان، ۲۰۰۹، ۳۰۲).

اینز (۲۰۰۷) نیز افزود بسیاری از نوآوری ها در پلیس بریتانیا هم اکنون حول ابداع روش ها و راهبردهای بدیع در ارتقاء کیفی اعتماد سازی به فعالیت های پلیس می چرخد. مطالعات باهن، (۱۹۷۴) و اسکوگان (۲۰۰۹) مشخص کرد هنگامی که شخصی در خیابان، میزان و تعداد بیشتری از پلیس را طلب می کند در حقیقت منظور ضمنی وی به در دسترس بودن و حضور چشمگیرانه پلیس در هنگام انجام فعالیت های روزمره می باشد. در ادامه بنابر ادبیات بیان شده پیرامون موضوع تحقیق، مدل مفهومی (شکل شماره ۱) و فرضیه های پژوهش ارائه می گردد.



شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: تجربه قربانی بودن تأثیر مثبت و معنی داری بر نگرانی از وقوع جرم دارد.
- فرضیه دوم: محسوس بودن تأثیر منفی و معنی داری بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم دارد.
- فرضیه سوم: محسوس بودن تأثیر مثبت و معنی داری بر اعتماد اجتماعی به پلیس دارد.
- فرضیه چهارم: پاسخ‌گویی پلیس تأثیر مثبت و معنی داری بر اعتماد اجتماعی به پلیس دارد.
- فرضیه پنجم: اعتماد اجتماعی به پلیس تأثیر منفی و معنی داری بر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم دارد.
- فرضیه ششم: نگرانی اجتماعی از وقوع جرم تأثیر منفی و معنی داری بر احساس امنیت اجتماعی دارد.
- فرضیه هفتم: اعتماد اجتماعی به پلیس تأثیر مثبت و معنی داری بر احساس امنیت اجتماعی دارد.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از لحاظ ماهیت و هدف کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات توصیفی از حیث ارتباط بین داده‌ها از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را کلیه

شهروندان سطح شهر تهران تشکیل دادند. همچنین به دلیل اطلاعات درستی از تعداد افراد جامعه در دسترس نبود جامعه مورد آزمون به صورت نا محدود در نظر گرفته شد و کفایت حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، با در نظر گرفتن خطای ۵ درصد ۳۸۴ نفر تعیین شده است.

در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد به طوری که در این روش ابتدا شهر تهران را به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم نموده و از هر منطقه به نسبت، پرسشنامه ها توزیع و جمع آوری شد. پس از انجام پروسه نمونه گیری، ۴۱۷ پرسشنامه جمع آوری و در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پایایی و روایی ابزار اندازه گیری. از آن جا که آلفای کرونباخ معمولاً شاخص کاملاً مناسبی برای سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری و هماهنگی درونی میان عناصر آن است، بنابر این قابلیت اعتماد پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق به کمک آلفای کرونباخ ارزیابی می گردد. به منظور تعیین اعتبار پرسشنامه در مرحله پیش آزمون ۳۰ پرسشنامه از نمونه جمع آوری شد و از طریق نرم افزار SPSS 19 آلفای کرونباخ برای آن محاسبه گردید. قابل ذکر است که ضریب آلفای کرونباخ کمتر از ۶۰ درصد معمولاً ضعیف تلقی می شود، دامنه ۷۰٪ قابل قبول و بیش از ۸۰٪ خوب تلقی می شود، و هر قدر ضریب اعتماد به عدد یک نزدیک تر باشد، بهتر است (مومنی و فعال قیوم، ۱۳۸۸). به منظور سنجش روایی محتوایی ابزار اندازه گیری، از مطالعات کتاب ها، مقالات و نظر خبرگان نسبت به پرسشنامه استفاده شده است. همچنین به منظور بررسی روایی پرسشنامه (از نوع همگرا)، از تحلیل عاملی تاییدی توسط نرم افزار لیزرل ۸.۵ استفاده شده است. در جدول شماره ۱ شاخص ها، آلفای کرونباخ، و میانگین واریانس های تبیین شده (AVE) قابل مشاهده می باشد.

جدول شماره ۱) شاخص های آلفای کرونباخ و AVE

منبع	شاخص	آلفای کرونباخ	AVE
اسکوگان، ۲۰۰۹	تجربه قربانی بودن	۰/۸۴	۰/۵۵
اسکوگان، ۲۰۰۹	محسوس بودن	۰/۹۰	۰/۶۱
اسکوگان، ۲۰۰۹	پاسخ گویی پلیس	۰/۸۱	۰/۵۴
اسکوگان، ۲۰۰۹	اعتماد اجتماعی به پلیس	۰/۹۱	۰/۶۸
اسکوگان، ۲۰۰۹	نگرانی از وقوع جرم	۰/۹۴	۰/۷۵
چلپی و باباخانی، ۱۳۸۸	احساس امنیت اجتماعی	۰/۹۵	۰/۵۹

ارائه یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها

برای جمع آوری داده های توصیفی پژوهش در مجموع چهار سوال مطرح شد. در جدول های شماره ۲، ۳، ۴ ویژگی های توصیفی جامعه شامل جنسیت، سن و سطح تحصیلات توسط نمونه قابل مشاهده است. همانطور در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، ۶۹/۵ درصد پاسخ گویان زن و ۳۰/۵ درصد از پاسخگویان مرد بوده اند.

جدول شماره ۲) ویژگی های توصیفی پاسخگویان از لحاظ جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۲۷۸	۶۹/۵
مرد	۱۲۲	۳۰/۵

در جدول شماره ۳، ویژگی های جامعه از لحاظ سن پاسخ گویان قابل مشاهده می‌باشد، همانطور که ملاحظه می‌شود ۴/۲ درصد از پاسخگویان زیر بیست سال، ۴۶/۸ درصد از پاسخگویان بیست تا سی سال، ۳۳/۲ درصد افراد سی و یک تا چهل سال و ۱۱/۳ درصد نیز بالای چهل و پنج سال بوده اند.

جدول شماره ۳) ویژگی های توصیفی پاسخگویان از لحاظ سن

سن	فراوانی	درصد
زیر ۲۰ سال	۱۷	۴/۲
۲۰ تا ۳۰ سال	۱۸۷	۴۶/۸
۳۱ تا ۴۰ سال	۱۳۳	۳۳/۲
۴۱ تا ۵۰ سال	۴۵	۱۱/۳

همچنین جدول شماره ۴، نمایانگر ویژگی های پاسخگویان از لحاظ تحصیلات آنان می‌باشد، به طوری که ۱۸/۲ درصد از پاسخ گویان تا دیپلم، ۲۳ درصد، فوق دیپلم، ۴۳/۸ درصد لیسانس و ۱۱ درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر بوده اند.

جدول شماره ۴) ویژگی های توصیفی پاسخگویان از لحاظ تحصیلات

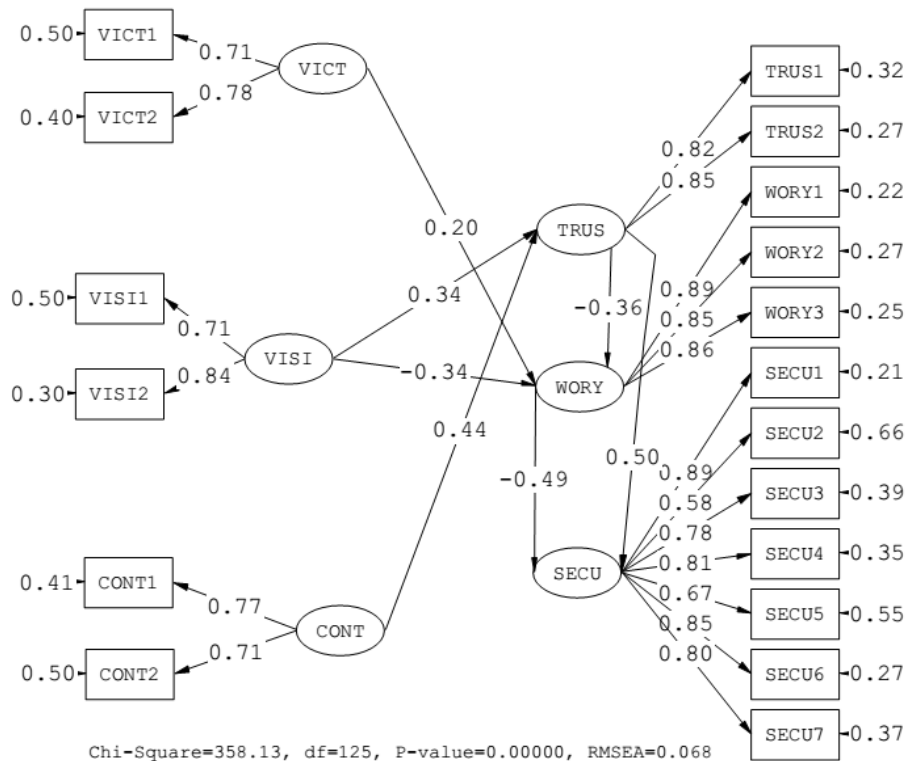
تحصیلات	فراوانی	درصد
تا دیپلم	۷۳	۱۸/۲
فوق دیپلم	۹۲	۲۳/۰
لیسانس	۱۷۵	۴۳/۸
فوق لیسانس و بالاتر	۴۴	۱۱/۰

آزمون فرضیات اصلی تحقیق توسط مدل معادلات ساختاری. با توجه به اینکه یکی از قوی ترین و مناسب ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری، تجزیه و تحلیل چند متغیره است در این تحقیق برای تأیید یا رد فرضیات از مدل معادلات ساختاری و به‌طور اخص تحلیل مسیر از طریق نرم افزار لیزرل استفاده شده است. آن چه که قبل از بررسی مدل لازم است به آن پاسخ داده شود این است که برازش مدل ما چگونه است یا به عبارت دیگر آیا مدل ما مدل مناسبی است یا خیر؟ (رامین مهر و چارستاد، ۱۳۹۲، ۹۷).

به‌منظور بررسی اثرات متغیرهای مستقل تحقیق (تجربه قربانی بودن، محسوس بودن، پاسخگویی پلیس) بر متغیرهای وابسته تحقیق (نگرانی اجتماعی از وقوع جرم، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی) یک مدل فرضی براساس پیشینه تحقیق، طراحی شد. فرضیه‌های بیان شده نیز در پیشینه تحقیق بیانگر روابط علی میان متغیرهای موجود در مدل است.

در این تحقیق بررسی همزمان فرضیه‌ها در قالب مدل اولیه صورت گرفت. برای ارزیابی مدل فرضی این پژوهش ابتدا به برآورد پارامتر با استفاده از روش بیشینه احتمال به برآورد پارامترها می‌پردازیم. پارامترهای برآورد شده شامل ضرایب تأثیر می‌باشد. در نهایت شاخص‌های ارزشیابی برازندگی مدل و شکل مدل برازش شده گزارش شده است.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از خروجی نرم‌افزار لیزرل $\chi^2/df = 2/84$ و $RMSEA=0/068$ مقدار P-Value نیز صفر بوده است، همچنین شاخص‌های GFI، AGFI، NFI همگی بالای ۹۰٪ می‌باشد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که مدل ارائه شده مدل مناسبی می‌باشد. شکل شماره ۲ مدل تحقیق را در حالت تخمین استاندارد و جدول شماره ۳ شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد



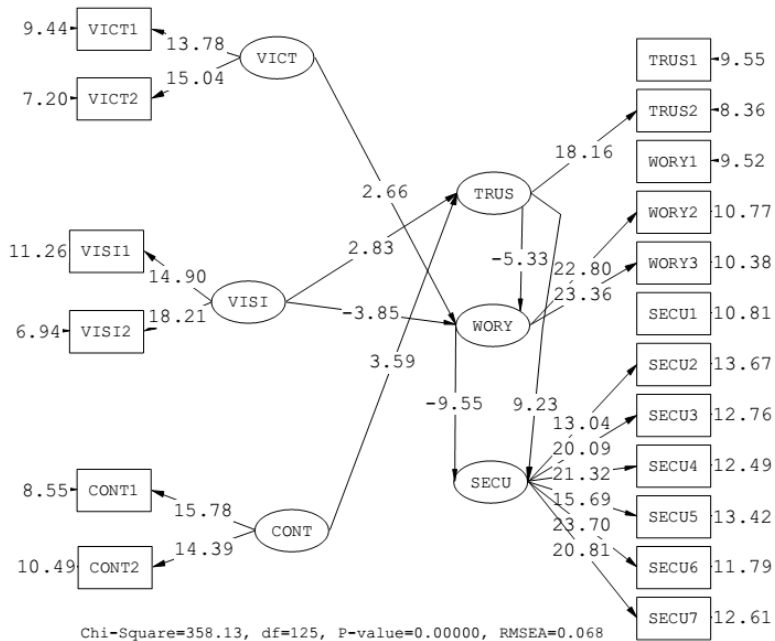
شکل شماره ۲: مدل تحقیق را در حالت تخمین استاندارد

جدول شماره ۳: شاخص‌های برازش مدل

نتیجه	ملاک	مقدار شاخص	شاخص های نیکویی برازش مدل
برازش مناسب	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۸	RMSEA
برازش مناسب	کوچکتر از ۳	۲/۸۴	χ^2 / df
برازش مناسب	کوچکتر از ۰/۰۵	۰.۰۰۰	P-value
برازش مناسب	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۱	GFI
برازش مناسب	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۲	AGFI
برازش مناسب	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۸	NFI
برازش مناسب	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۸	NNFI
برازش مناسب	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۸	CFI

آزمون معنی داری روابط. به منظور نشان دادن معنی داری روابط موجود بین متغیرها از شاخص T-Value استفاده می‌شود. این شاخص از نسبت ضریب هر پارامتر به خطای

انحراف معیار آن پارامتر محاسبه می‌شود. به طوری که قدر مطلق آن می‌بایستی از ۱/۹۶ بزرگتر باشد تا نشان دهد این تخمین‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است.



شکل شماره ۳: مدل ساختاری تحقیق

جدول شماره ۴ (جدول یافته‌های پژوهش) نتایج تحقیق را در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معنی‌دار نشان می‌دهد. همچنین شکل شماره ۳، مدل ساختاری پژوهش را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۴: یافته‌های پژوهش

نتیجه	ضریب معنی‌داری	ضریب مسیر	مسیر	
تایید	۲/۶۶	۰/۲۰	نگرانی از وقوع جرم	تجربه قربانی بودن
تایید	-۳/۸۵	-۰/۳۴	نگرانی از وقوع جرم	محسوس بودن
تایید	۲/۸۳	۰/۳۴	اعتماد اجتماعی به پلیس	محسوس بودن
تایید	۳/۵۹	۰/۴۴	اعتماد اجتماعی به پلیس	پاسخ‌گویی پلیس
تایید	-۵/۳۳	-۰/۳۶	نگرانی از وقوع جرم	اعتماد اجتماعی به پلیس
تایید	-۹/۶۲	-۰/۴۹	احساس امنیت اجتماعی	نگرانی از وقوع جرم
تایید	۹/۲۳	۰/۵۰	احساس امنیت اجتماعی	اعتماد اجتماعی به پلیس

خلاصه و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که تجربه قربانی بودن تاثیر معنی داری بر نگرانی از وقوع جرم داشته است (I: ۰/۲۰، t: ۲/۶۶) به عبارت دیگر به هر اندازه تجربه افراد در رابطه با قربانی بودن جرم و جنایت بیشتر باشد نگرانی آن‌ها از وقوع جرم بیشتر خواهد بود.

از طرف دیگر حضور محسوس پلیس تاثیر منفی و معنی داری بر نگرانی از وقوع جرم دارد (I: ۰/۳۴، t: -۳/۸۵). به این معنی که با افزایش حضور پلیس در انظار عمومی انتظار می‌رود نگرانی از وقوع جرم کاهش یابد.

حضور محسوس پلیس بر اعتماد اجتماعی تاثیر دارد (I: ۰/۳۴، t: ۲/۸۳). به عبارت ساده‌تر حضور محسوس پلیس در جامعه می‌تواند درک افراد را نسبت به قابل اعتماد بودن پلیس افزایش دهد.

نتایج این پژوهش تاثیر پاسخ گویی پلیس را بر اعتماد اجتماعی به پلیس به صورت مثبت و معنی دار ثابت کرده است (I: ۰/۴۴، t: ۳/۵۹) در واقع هر چقدر پلیس در هنگام بروز حوادث عملکرد بهتری داشته باشد اعتماد اجتماعی به پلیس افزایش پیدا خواهد کرد.

همچنین تاثیر اعتماد اجتماعی به پلیس بر نگرانی از وقوع جرم نیز به صورت منفی و معنی دار به اثبات رسید (I: -۰/۳۶، t: -۵/۳۳)، بدین معنا که افزایش اعتماد اجتماعی می‌تواند نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و جنایت را کاهش دهد؛

لازم به توضیح است که نتایج بررسی شده همگی تایید کننده مطالعات اسکوگان (۲۰۰۹) نیز می‌باشد.

در ادامه، یافته‌های این پژوهش مشخص شد متغیر نگرانی از وقوع جرم بر احساس امنیت اجتماعی تاثیر منفی و معنی داری داشته است (I: -۰/۴۹، t: -۹/۶۲) یعنی هرچه قدر نگرانی از وقوع جرم کاهش یابد افراد کمتر احساس عدم امنیت خواهند کرد.

اعتماد اجتماعی نیز می‌تواند منجر به افزایش احساس امنیت اجتماعی شود (I: ۰/۵۰، t: ۹/۲۳) بنابر این هر قدر میزان اعتماد به پلیس بیشتر شود درک افراد نسبت به امنیتشان افزایش خواهد یافت. که البته این یافته با نتایج مطالعات چلیپی و باباخانی (۱۳۸۸) مشابه است.

۱) این گونه که از یافته های پژوهش مشخص است متغیر محسوس بودن پلیس منجر به پیشرفت دو متغیر وابسته اعتماد اجتماعی به پلیس و نگرانی اجتماعی از وقوع جرم می شود؛ همچنین محسوس بودن پلیس از مسیر این دو متغیر وابسته واسطه، به طور غیر مستقیم نیز باعث افزایش حس امنیت اجتماعی خواهد شد، بنابر این می توان ادعا نمود که متغیر محسوس بودن پلیس به منظور ایجاد اعتماد اجتماعی، نگرانی از وقوع جرم و حس امنیت اجتماعی بسیار حایز اهمیت خواهد بود. لذا توصیه می شود جهت پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم، از طرح های حضور پلیس با ماموریت های مختلف (مانند مبارزه با ارازل و اوباش) بهره گیری نموده به طوری که مردم با مشاهده محسوس پلیس درک بهتری از وظیفه مدار بودن نیروی انتظامی داشته و متقابلاً اعتماد بیشتری به نیروی پلیس داشته، نگرانی اجتماعی از وقوع جرم کاهش یافته و نهایتاً امنیت اجتماعی افزایش یابد.

۲) نتایج به دست آمده نشان می دهد شاخص هایی نظیر در دسترس بودن پلیس در شرایط اضطراری، برخورد مفید و موثر پلیس در شرایط وقوع جرم به عنوان «پاسخ گویی پلیس» می تواند باعث افزایش اعتماد اجتماعی به پلیس شده و از این مسیر نگرانی از وقوع جرم را کاهش دهد ضمن اینکه پاسخ گویی پلیس، امنیت اجتماعی را به صورت مستقیم و غیر مستقیم (از مسیر اعتماد اجتماعی و کاهش نگرانی از وقوع جرم) افزایش خواهد داد. لذا اهمیت متغیر پاسخ گویی پلیس کاملاً واضح و روشن است، بنابر این مشخص است شهروندان فقط نیازمند حضور فیزیکی پلیس نیستند بلکه آنان برای حفظ امنیت خود از نیروی انتظامی انتظار دارند که در مواجهه با جرایم، موثر و در برخورد با مجرمین قاطعانه عمل نمایند.

۳) یافته های پژوهش نشان داد متغیر تجربه از قربانی بودن منجر به افزایش درک از نگرانی از وقوع جرم شده و از این مسیر امنیت اجتماعی را کاهش خواهد داد. هر چند این متغیر جزء متغیرهای قابل کنترل نیست اما کاملاً واضح و روشن است که عملکرد موثر پلیس نسبت به پیشگیری از وقوع جرم، همچنین بهره گیری از روابط عمومی (از جمله ساخت برنامه های تلویزیونی عبرت آموز مانند برنامه های مستند از

دستگیری مجرمین) می‌تواند ترس از ارتکاب جرم را در افراد بالا برده و متقابلاً وقوع جرم را در جامعه کاهش دهد.

(۴) همان‌طور که از یافته‌های تحقیق مشخص است اعتماد اجتماعی منجر به کاهش نگرانی از وقوع جرم خواهد شد و از آنجایی که متغیر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم به عنوان متغیر وابسته واسطه بر امنیت اجتماعی موثر است، لذا می‌توان ادعا کرد که متغیر اعتماد اجتماعی به صورت غیر مستقیم نیز از مسیر نگرانی اجتماعی از وقوع جرم درک اجتماعی نسبت به امنیت اجتماعی را بهبود خواهد داد؛ ضمن اینکه اعتماد اجتماعی به پلیس به صورت مستقیم نیز حس امنیت اجتماعی را در بین شهروندان افزایش می‌دهد. بنابر این توصیه می‌شود، پلیس با اجرای دقیق عملکردهای خود و نقش‌های وظیفه‌ای‌اش در قبال جامعه کوشا باشد، به طوری که مدیران استراتژیک سازمان استانداردهایی را جهت ارزیابی پیگیری‌های به عمل آمده هنگام وقوع جرم توسط پلیس توسعه داده تا کارکنان ناجا وظایف خود را بر مبنای این استاندارد ها پیشرفت داده، تعدیل و بهبود نمایند.

(۵) با توجه به تاثیر اعتماد اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی و کاهش نگرانی از وقوع جرم لازم و ضروری است که نیروی انتظامی به این متغیر توجه داشته باشند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد زمینه‌های لازم اعتماد سازی می‌تواند امنیت اجتماعی را افزایش داده و نگرانی از وقوع جرم را نیز به صورت منفی تحت تاثیر قرار دهد. این زمینه سازی می‌تواند از طریق روابط عمومی با مردم از طریق رسانه‌های گروهی صورت گیرد.

(۶) پیشنهاد می‌گردد تا اقدامات راهبردی در جهت شناسایی نقاط، اماکن، مسیرها و محل‌های بحران‌زا انجام شود. یکی از بهترین روش‌های ممکن عبارت است از طراحی نظام جامع اطلاعات پیشگیری. در واقع باید زیرساخت‌هایی را فراهم آورد که حاوی اطلاعات مهم و حایز اهمیت محیطی باشد. در این طرح باید از کلیه اطلاعات جرم موجود در سازمان‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی و به ویژه شهروندان استفاده کرد.

- بی‌زبان، علیرضا. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی خانواده» مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۵۳-۷۸
- تاجران، عزیزالله؛ کلاکی، حسن. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی/سال چهارم، شماره چهارم، صص ۵۶۱-۵۸۶
- چلبی، مسعود؛ باباخانی، فرهاد؛ (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت در سطح خرد و کلان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- رامین مهر، حمید؛ چارستاد، پروانه. (۱۳۹۲). روش تحقیق کمی با کاربرد مدل سازی معادلات ساختاری، نشر ترمه، چاپ اول
- شرافتی پور، جاوید. (۱۳۸۵). بررسی انتشار اخبار خشونت آمیز در مطبوعات و تاثیر آن بر احساس نا امنی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۷۰۶، صص ۱۱۷-۱۳۶
- شیرین، عباس، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۷.
- مومنی، محمد، فعال قیوم، علی. (۱۳۸۶). تحلیل های آماری با استفاده از SPSS، تهران: کتاب نو
- Bahn, C. (1974). The reassurance factor in police patrol. *Criminology*, 12, 338-345.
- Beck, Ulrich (2002) *individualization: institutionalized individualism and its social and political consequences*, sage publication, London
- Innes, M. (2007). The reassurance function. *Policing: A Journal of Policy and Practice*, 1, 132-141.
- Jesilow, Paul, J'ona Meyer, and Nazi Namazzi. (1995). "Public attitudes toward the Police." *american Journal of Police* 14:67-88.
- pantazist Chiristin (2000) *Fear of crime, vulnerability and poverty: British journal of criminology*
- Pate, a. M. (1986). *experimenting with foot patrol: The Newark experience*. In D. Rosenbaum (ed.), *Community crime prevention* (pp. 137-156).
- Povey, K. (2001). *Open all hours: A thematic inspection report on the role of police visibility and accessibility in public reassurance*. London: Her Majesty's Inspectorate of Constabulary.
- Quinton, P., & Morris, J. (2008). *Neighbourhood policing: The impact of piloting and early national implementation*. London: Home Office.
- Reisig, M. D., & giacomazzi, a. (1998). Citizen perceptions of community policing: are attitudes toward police important. *Policing*, 21, 547-561.

- Reisig, M. D., & Parks, R. B. (2000). experience, quality of life, and neighborhood context. *Justice Quarterly*, 17, 607-629.
- Reisig, M. D., & Parks, R. B. (2004). Can community policing help the truly disadvantaged? *Crime and Delinquency*, 50, 139-167.
- Ren, L., Cao, L., Lovrich, N., & gaffney, M. (2005). Linking confidence in the police with the performance of the police: Community policing can make a difference. *Journal of Criminal Justice*, 33 .55-66.
- Sampson, R. J., & Jeglum-Bartusch, D. (1998). Legal cynicism and (subcultural?) tolerance of deviance :The neighborhood context of racial differences. *Law and Society Review*, 32, 777-804.
- Skogan, W. g. (1990). *Disorder and decline: Crime and the spiral of decay in American cities*. New York :The Free Press.
- Skogan, W. g. (2006). asymmetry in the impact of encounters with police. *Police & Society*, 6, 99-126.
- Skogan, W. g., & Frydl, K. (2004). *Fairness and effectiveness in policing: The evidence*. Washington .DC: National academies Press.
- Skogan, W. g., & Hartnett, S. M. (1997). *Community policing, Chicago style*. New York: Oxford University Press.
- Skogan, W. g., & Sherman, L. W. (1986). *Reducing fear of crime in Houston and Newark: A summary report*. Washington, DC: National Institute of Justice and The Police Foundation.
- Taylor, Ralph (2002) exchange fear of crime, social ties, and collective efficacy: maybe masquerading measurement: temple university, justice quires, Australian center for political research. three levels of policing. *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 20, ۳۲۵-۳۱۸ .
- Velez, M. B. (2001). The role of public social control in urban neighborhoods: amulti-level analysis of victimization risk. *Criminology*, 39, 837-864.
- Weitzer, R., & Tuch, S. (2004). Race and perceptions of police misconduct. *Social Problems*, 51, 305-325.
- Weitzer, R., & Tuch, S. (2004). Racially biased policing: Determinants of citizen perceptions. *Social Forces*, 83, 1009-1030.
- Weitzer, R., Tuch, S., & Skogan, W. g. (2008). Police–community relations in a majority black city *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 45, 398-428.
- Xu, Y., Fiedler, M. L., & Flaming, K. H. (2005). Discovering the impact of community policing: The broken windows thesis, collective efficacy, and citizens' judgment. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 42, 147-186.